انترناسیونال ۶۶۶

حقوق های نجومی:

 خشم جامعه، وحشت بورژوازی!

مصطفی صابر

اینروزها موضوع اول بحث هر محفل و جمعی در ایران فیش های حقوقی چند صد میلیونی مدیران موسسات و بنگاه های دولتی است. مردم دارند حساب و کتاب میکنند که حقوق های این حضرات چند صد برابر حداقل دستمزد کارگران است. موجی از خشم علیه نابرابری و فقر سراسر جامعه را فراگرفته و رو به گسترش است. همه بخش های بورژوازی ایران از خامنه ای و روحانی و دیگر بخش های دولت اسلامی گرفته تا بی بی سی و اپوزیسیون استحاله چی، و همینطور راست های سرنگونی طلب، همه و همه به تکاپو افتاده اند. هریک دارند میکوشند تعبیر و تفسیر خود را به خورد جامعه دهند و این نفرت بحق از نابرابری را مهار کنند.

خامنه ای و روحانی سعی میکنند خشم جامعه را اینگونه تخفیف دهند که بعله چند مدیری اینجا و آنجا حقوقهای بالا گرفته اند و انشاء الله رسیدگی میشود. اینها میکوشند دولت اسلامی سرمایه را از زیر تیغ خشم مردم در ببرند.

 بی بی سی و طیف اصلاح طلبان (استحاله چی ها) میکوشند مساله را به این محدود کنند که افشای فیش های حقوقی کمپین اصولگرایان علیه دولت روحانی بوده و تدارکی برای انتخابات بعدی ریاست جمهوری است. اینها سعی میکنند دولت روحانی را نجات دهند و امید به استحاله تدریجی جمهوری اسلامی را زنده نگهدارند.

بخش های دیگر بورژوازی ایران که امیدی به تغییر تدریجی جمهوری اسلامی ندارند و خواهان سرنگونی آن هستند، سعی میکنند در این معرکه سرمایه داری را از تیغ نفرت مردم نجات دهند. این حقوق های نجومی را در ادامه اختلاس های میلیاردی و پدیده بچه پولدار ها قرار میدهند و آنرا با این توضیح میدهند که گویا این مختص جمهوری اسلامی و حاکمیت آیت الله ها و آقازاده ها و رانت خواری و غیره است. گویی سرمایه داری خوش خیم و مهربانی در ایران میتواند سر کار بیاید که لااقل فاصله حقوق ها و نابرابریها اینقدر نجومی نباشد.

اگر کسی تصمیم گرفته باشد چشم اش را به حقایق بنیادی دنیای امروز ببندد میتواند "حقایقی" در این توجیهات بورژوازی ایران ببیند. لابد روحانی و خامنه ای چند مدیر را از جلوی صحنه کنار خواهند برد و چند آفتابه دزد را مجازات خواهند کرد تا بلکه فضا را آرام کنند. حتما جناح اصولگرا میکوشد از این فضا برای عقب راندن جناح روحانی - رفسنجانی در دعواهای درونی استفاده کند و قاتل های خودش را در مقایسه با آدمکشان آن یکی دیگر جناح به جلو صحنه براند. و قطعا جمهوری اسلامی و حکومت آیت الله های میلیاردر در ایجاد اوضاع اقتصادی بسیار وخیم و نابرابری وحشتناک در جامعه ایران نقش بلافصل و درجه اول دارد. اما اینها هیچکدام هنوز جوهر حقیقت اوضاع نیست.

حقیقت این است که رشد سرسام آور نابرابری و گسترش شکاف بین غنی و فقیر یک نتیجه ناگزیز حاکمیت سرمایه و مساله ای جهانی است. حتی بنگاه های بورژوازی بانک جهانی و غیره هر روز دارند در مورد خطرات آن هشدار میدهند. همین چند وقت پیش بود که آکسفام اعلام کرد میلیاردرهایی که در یک اتوبوس دو طبقه جا میگیرند به اندازه نیم مردم دنیا ثروت دارند. این روند بویژه در چند دهه اخیر، مشخصا از دهه 80 میلادی و عروج نئوکنسرواتیسم، و بالاخص بعد از بحران جهانی 2008 تشدید شده و این نابرابری بسرعت در حال افزایش است.

آنچه که به اوضاع ایران ویژگی میدهد البته حاکمیت جمهوری اسلامی در تمام این دوره ای است که طبقه کارگر در سطح جهانی مورد هجوم عظیم قرار گرفته و به نسبت فقیرتر و ضعیف تر شده و بورژوازی قدرتمندتر و ثروتمندتر. در تمام این سالها جمهوری اسلامی و اقتصاد مافیایی اسلامی اش این روند جهانی و را حتی بصورت خشن تری و زمخت تری بر جامعه ایران تحمیل کرده است. علاوه بر فقر و فلاکت وحشتناکی که می بینیم، در تمام این سالها جنگ بی امان جمهوری اسلامی علیه جامعه، و بویژه علیه طبقه کارگر به شدت ادامه داشته است. اما نکته جالب در مورد ایران همینطور این است که جمهوری اسلامی نتوانسته است به موجودیتی متعارف که جامعه آنرا بپذیرد تبدیل شود. همیشه در حال بحران و التهاب بوده است. همیشه مجبور بوده است دوباره از نو برای موجودیت خود زندان کند وچوبه دار برپا کند و شلاق بزند. چیزی که همین امروز هم ادامه دارد. و این جوهرحقیقت اوضاع ایران است.

افشای فیش های حقوقی نجومی یکبار دیگر مساله اصلی جامعه ایران را جلوی چشم همه گذاشته است. توده های میلیونی مردمی که سر سازش با زندگی نکتباری که جمهوری اسلامی بر آنها تحمیل کرده است ندارند، به خشم آماده اند. آنها میخواهند اوضاع را عوض کنند و این کار را هم دیر یا زود خواهند کرد. مهم این است که افق درستی در برابر این تلاش قرار گیرد: در مقابله با نابرابری های اقتصادی و سیاسی و فرهنگی نه فقط کل جمهوری اسلامی از هر جناح را باید از جلوی پای جامعه برداشت، بلکه باید از شر سرمایه داری رها شد.